

استعداد موسیقی

سازندگان بزرگ الحان موسیقی و اساتید عالیمقام این فن اغلب در مراحل ابتدایی حیات خود نبوغ خویش را آشکار ساختند؛ و اصولاً استعداد موسیقی در اشخاصی که مستعد این فن هستند زود تر از همه قوای ذهنی و در ایام کودکی رشد و ظهور مینماید. اغلب از موسیقی دانان بزرگ از پنج شش سالگی و گاه از ده باسیزده یا شانزده سالگی دست بترکیب و ساختن الحان موسیقی بردند. و امروزه نیز در برخی ممالک که این استعداد مانند سایر استعدادها پرورش و تربیت می یابد عده ای از همان ایام کودکی شروع بانظار استعداد خویش می کنند.

مطابق عقیده بعضی از علمای معرفه النفس استعداد موسیقی از استعداد های دیگر مستقل است خواه این استعداد و ذوق در نوازندگی و سازندگی بوده و خواه بهمان ذوق شنیدن و تالذذ از آهنگهای موسیقی مقصور باشد. برخی از موسیقی دانان علاوه بر اینکه در صنعت خود استعداد کامل نشان دادند در سایر امور نیز از جمله اشخاص خوش استعداد بوده اند و برخی دیگر از سازندگان و نوازندگان بزرگ با آنکه در شغل خود کمال استادی را ظاهر ساخته اند در سایر امور دستی نداشتند. همانطور که عده ای را استعداد کامل موسیقی و با ذوق استماع آنست عده ای دیگر دارای استعداد قوی «ضلموسیقی» میباشند و عده زیادی از مردمان باهوش و خوش استعداد از نویسندگان بزرگ با تمام قدرت فکری و استعداد ذاتی خود از عهده در یافتن لذت موسیقی برنمیآمدند و از این جهت نسبت بآن خوش بین نبوده اند. گوته «Goethe» که از متفکرین بزرگ عالم بوده و هوش او برای پذیرفتن هر چیزی حتی علوم استطاعت داشته است از موسیقی لذتی نمی برد و چیزی نمی فهمید. آنا تول فرانس «Anatole France» کاملاً استعداد ضد موسیقی داشته است. ولی باید دانست که جماعه متفکرین بهمین گونه نبوده و فی المثل عده زیادی از باضانی دانان عالیمقام موسیقی را بحد افراط دوست میداشتند. بنا بر این باید ادعان داشت که استعداد موسیقی فطری و از استعداد های دیگر مستقل است برخی را از آن بهره کامل میباشد و گروهی بکلی فاقد آنند. این نکته نیز قابل انکار نیست که مزیت استثنائی استعداد موسیقی نتیجه تشکیلات مخصوص دماغی است که در جنین صورت یافته و طفل آنرا در حال تولد با خود بدینا می آورد و بنا بر این استعداد موسیقی امری ارثی است.

در باب چگونگی استعداد موسیقی تحقیقات و مطالعاتی کرده اند و این مطالعات بوسیله تحقیق در علل بی نظمیها و وقفه هائی که بر این قوه عارض شد صورت پذیرفته است. بی نظمی و یا وقفه استعداد موسیقی در موقعی رخ میدهد که جراحات یا صدمه ای بر نقطه مخصوصی از قسمتهای مغز وارد شود و بنا بر این کیفیت بی نظمی مزبور تابع و متشابه کیفیت صدمه و جراحات فوق خواهد بود. علمای علم تشریح معتقدند که در هنگام عروض بی نظمی و وقفه انجمادی جزئی از خون سبب از بین رفتن حس در یک علامات موسیقی میشود. ابتدائی باین عارضه دماغی صور مختلف دارد چنانکه گاه اتفاق می افتد که موسیقی دان مریض از یک آهنگ موسیقی چیزی نفهمد و گاه از خواندن و نوشتن نت های موسیقی بکلی عاجز شود و گاه تمام محفوظات موسیقی خویش حتی قسمتهائی را که در آن ها استاد بود فراموش کند.

اکنون باید دانست که استعداد موسیقی مربوط بساواهای کدام قسمت مغز است. در این باب یکی از علمای آلمان تحقیقات فراوان کرده و در اثر تحقیق در صد مغز بی برد که معمولاً در اشخاصی که استعداد فطری موسیقی دارند وسعت و نمو فراوانی در ناحیه صدغی که قسمت انتهائی اعصاب سمعی است مشاهده میگردد و مخصوصاً برخی از رؤسای ارکسترهای موسیقی را از این وسعت و نمو بهره و افری است. علائم این حالت بیشتر در طرف چپ مغز هویداست و استعداد موسیقی و سخن گفتن و آموختن زبان مربوط بهمین قسمت میباشد و معمولاً در اشخاصی که فظراً استعداد موسیقی دارند در قسمت چپ مغز نمو فوق العاده ای مشاهده میشود که از شقیقه تا مخچه امتداد دارد.

در اثر تحقیقاتی که در مغزهای مردم تربیت شده و فکور کرده اند بعدم قرینه کاملی در اطراف مغز بی برده و دیده اند که این عدم تعادل مخصوصاً در جانب چپ مغز آشکار تر است چه در این قسمت از مغز برآمدگی نسبتاً بزرگی مشاهده میشود. نمو و وسعت قسمت مخصوص بموسیقی نیز بیشتر در همین برآمدگی صورت میگردد.

اما جهت برآمدگی قسمت مخصوصی از مغز وضعیت ساختمان استخوان جمجمه است در همان نقطه. در اثر تحدیبی که در این قسمت از جمجمه وجود دارد مقدار زیادی از مواد دماغی در آن جایگیر شده و ماده خا کستری در آن نمو فراوان مینماید. بنابر این نمو یکقسمت از مغز تابع نمو همان ناحیه از جمجمه و درجه تحذب آنست و بدین سبب باید گفت که وضعیت بعضی از جمجمههاست که موسیقیدان ایجاد میکند. این امر کاملاً تابع ناموس و رات است و حالت مزاجی اجداد دوریان نزدیک در اخلاف کاملاً مؤثر واقع شده ممکن است باعث ایجاد برآمدگی و بیقرینگی یکقسمت از مغز گردد.

اگر چه استعداد و قریحه طبیعی و خداداد موسیقی در اثر کیفیات وراثتی در اشخاص ایجاد میشود ولی باید دانست که وجود استعداد خداداد موسیقی در فرزندان کسی که طبعاً استعداد صنعت مزبور را دارد، حتمی نیست. چه مواصلت و دوتیرگی پدر و مادر در این امر بسیار دخیل است و حتی اغلب فرزند استعداد های مادر را وارث میبرد. این امر در موارد مختلف تجربه و دیده شده است که فرزندان بسیاری از موسیقیدانان مستعد و با قریحه از استعداد خداداد پدر چیزی وارث نبرده و نسبت بموسیقی بی ذوق مانده اند.

از آن تا ناکسان هرگز نخوردندی صوابستی

بیار آن می که بنداری روان باقوت نابستی
 پیاکی گوئی اندر جام مانند کلابستی
 سحابستی قدح گوئی و می قطره سحابستی
 اگر می نیستی یکسر همه دلها خرابستی
 اگر این می بابر اندر بچنگال عقابستی

رواکی (متوفی در ۳۲۹)

(صاحب المعجم (ص ۳۱۶) این قطعه را بمعزی نیشابوری نسبت داده است.)